

مصرف مواد روانگردان و مسئولیت کیفری

سیدالحمید مجتهدزاده

پزشک، پزشک قانونی (مسئول شعبه دوپزشک قانونی استان خوزستان)

چکیده

بحث اصلی این است که در حالت مستی یا نشنگی ناشی از مصرف هر نوع مواد روانگردانی که اشخاص قصد و اختیار کامل ندارند و در چنین وضعیتی مرتکب جرم شوند، آیا عادلانه است به همان اندازه که افراد در وضع هوشیاری مسئول هستند، مسئول شناخته شوند. از دیگر سو برای حفظ نظم و امنیت جامعه، استناد به مستی یا بیخودی ناشی از مصرف مواد با هدف معاف شدن از مجازات در خصوص همه جرایم به نحو کامل قابل قبول نخواهد بود. بنابراین این سوال پیش می آید که با کسانی که به استفاده از مشروبات الکلی و مواد روانگردان می پردازند و مرتکب جرم می شوند چه باید کرد؟

از طرفی می دانیم که در نظام حقوقی اسلامی از نظر کیفری فقط کسی مقصر و مستوجب مجازات است که رفتار جزایی را با اراده مجرمانه همراه با وضع جسمانی و عقلانی مناسب مرتکب شده باشد. یعنی مرتکب باید همزمان با داشتن عنصر روانی، دارای اهلیت (ادراک و اختیار) در زمان وقوع جرم باشد. بنابراین چون مستی و نشنگی اراده و اختیار را از انسان سلب می کند با وجود شرایطی می توان از مجازات متناسب با جرم چنین مجرمانی صرف نظر کرد. واقعیت اینست که مستی و نشنگی اغلب به صورت ارادی ایجاد می شود و به طور معمول اشخاص با قصد و نیت دست به این عمل می زنند و همین جنبه آگاهانه بودن عمل است که تا حدی وضع قوانین مطابق با اعمال ناشی از آن را دچار سردرگمی کرده است. برای مثال می توان گفت مستی و نشنگی یک گناه ارادی است و مرض محسوب نمی شود و چنین افرادی باید در برابر رفتار خود مسئول شناخته شوند، زیرا آنها از لحظه ای که شروع به فعل مجرمانه کردند می دانستند چه برنامه ریزی دارند و دارای آزادی اراده و توانایی در هدایت و کنترل رفتار خود را هستند، یا اینکه کل فعل مجرمانه را ذیل یک سلب اراده و اختیار بخاطر شرایط مستی و نشنگی تفسیر کرد و مجرم را به مجازاتی متناسب با جرمش نرساند.

باید گفت قانون ما در این حوزه تا حدی دچار نقض است، قانونگذار ما مستی و حتی نشنگی را تعریف نکرده و تشخیص آن را به عرف واگذار کرده است. مطابق این تعریف مستی عبارت است از حالتی که از نوشیدن مسکر مانند شراب، خمر و... در انسان پدید می آید و مستی را به اعتبار علائم و عوارض آن می توان شناسایی کرد، چیزی که قدرت ارزیابی و تشخیص سود و زیان را از انسان سلب می کند و موجب اختلال تام یا نسبی اراده می شود. مطابق چنین تعریفی عرف جامعه به حالت عارض شده بر فرد، به دنبال مصرف انواع قرص های روانگردان یا به حالت سرخوشی ناشی از مواد مخدر و سایر مواد شیمیایی، نشنگی می گوید و همین مبنای مبهم تعریفی ست که قانونگذار را در تصمیم گیری و اعمال مجازات متناسب با جرم دچار سردرگمی کرده است.

با تمام این مقدمات می توان گفت که به طور کلی، مستی و نشنگی رافع مسئولیت کیفری نیست و متهم نمی تواند عذر بیاورد که چنانچه مست یا نشسته نبود هرگز مرتکب جرم نمی شد. با توجه به توضیحاتی چنین این مسأله مطرح است که آیا یک متهم مست یا نشسته عنصر روانی لازمه جرم را داشته است یا خیر؟ آیا اهلیتی در زمان ارتکاب جرم داشته است؟ در این نوشتار سعی داریم ابتدا به تعریفی هدفمند از چنین مجرمانی برسیم و سپس نگاه کتاب قانون را به نحوی مجازات آنها بررسی کنیم. در این نگرش سعی می شود ضعف ها و نقاط قوت قانون فعلی بررسی و راهکارهایی ارائه شود.